

ماهیت و کارکرد سنت جوار از دوران جاهلی تا عصر نبوت

* احمد محمود حمد

** سجاد دادفر

*** مهدی عزتی

چکیده

جوار از جمله سنت‌های عصر جاهلی است که در بعد از ظهور اسلام نیز تداوم یافت. این سنت که آن را می‌توان بازتابی از شرایط سیاسی و اجتماعی شبه جزیره در قبل از ظهور اسلام دانست، در مناسبات قبیل‌های از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بود. پژوهش حاضر به دنبال یافتن پاسخ این سؤال است که ماهیت و کارکرد سنت جوار در تاریخ عرب جاهلی و آغاز دوره اسلامی چگونه بوده است؟ یافته‌های این پژوهش که به روش توصیفی تحلیلی صورت گرفته نشان می‌دهد که اعراب پیش از اسلام در غیاب یک حکومت مرکزی از این سنت جهت تأمین امنیت خود استفاده می‌نمودند. با گذر از جامعه جاهلی به جامعه اسلامی این سنت دستخوش تغییراتی شد و پیامبر ﷺ آن را به‌عنوان یک قرارداد اجتماعی در راستای اهداف دولت نبوی به کار گرفت. در واقع اسلام ایمان و حق‌مداری را در مضمون اجتماعی جوار دخالت داد و حفظ جوار را از ارکان برپایی جامعه آرمانی و رفتاری خیرخواهانه و برخاسته از روح ایمان دانست.

واژگان کلیدی

گذر از عصر جاهلی، سنت جوار، اصول و شرایط جوار، پیامبر ﷺ و استفاده از سنت جوار.

ahmad.hamd@yahoo.com

dadfar@razi.ac.ir.

ezatimehdi@razi.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۰۳

** کارشناس ارشد گروه تاریخ دانشگاه رازی، کرمانشاه.

** استادیار گروه تاریخ دانشگاه رازی، کرمانشاه (نویسنده مسئول).

*** استادیار گروه تاریخ دانشگاه رازی، کرمانشاه. و مدرس دروس معارف اسلامی.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۳/۱۶

مقدمه

مطالعه تاریخ سیاسی و اجتماعی شبه‌جزیره در پیش از ظهور اسلام نشان می‌دهد که طبیعت حیات بدوی و زندگی قبیله‌ای در کنار فقدان یک دولت مرکزی موجب تکوین سنت‌هایی در بین اعراب گردیده بود که بسان قواعد و قوانین جوامع رشد یافته شهری، تداوم حیات قبیله‌ای آنان را تضمین می‌کرد. بدین‌سان اعراب پیش از اسلام دارای آداب، رسوم و سنت‌های متفاوتی بودند که «جوار» یکی از این سنت‌های پسندیده در میان آنان به حساب می‌آمد. این سنت که بعد از ظهور اسلام نیز تداوم یافت، در میان اعراب شبه‌جزیره از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بود. در نظام قبیله‌ای و زندگی بیابانی جزیره‌العرب، که امنیت و قدرت مرکزی وجود نداشت، جوار رسمی مهم و ارزشی اجتماعی برای برقراری امنیت به‌شمار می‌رفت و همچون جنگاوری و غارتگری، خصلتی ستوده و از افتخارات محسوب می‌شد. زیرا پناه‌دادن به افراد ضعیف، نشانه نیرومندی، جوانمردی و بزرگواری بود و برخی اشراف عرب بدین فضیلت شهره بودند. از این‌رو، همواره در ادبیات عرب به نیکی کردن به پناهنده و رعایت حقوق وی و حمایت از او سفارش، و واگذاشتن وی نکوهش شده است. سنت جوار، بعد از ظهور اسلام هم تداوم یافت. بعثت پیامبر ﷺ هر چند موجب دگرگونی بنیادی در بسیاری از باورها، آداب، رسوم و سنت‌های جاهلی گردید، اما سنت جوار به واسطه کارکرد مثبت آن مورد تأیید قرار گرفت. بررسی سنت جوار در عصر بعثت نشان می‌دهد که این سنت در سیر تداوم خود با تحول و تغییراتی در ماهیت و نحوه استفاده از آن همراه بوده است. بر این اساس، موضوع پژوهش حاضر بررسی تاریخی ماهیت سنت جوار و کارکرد آن در عهد جاهلیت و آغاز اسلام می‌باشد. سنتی که از آن می‌توان به‌عنوان یک نقطه اشتراک بین اسلام و عصر پیش از آن نام برد، با ذکر این نکته که اجرای این سنت در دوره اسلامی همراه با تفاوت‌هایی بود که در این مقاله تلاش گردیده تا از نظر تاریخی نقاط اشتراک و اختلاف آن در دوران قبل و بعد از ظهور اسلام مورد بحث و بررسی قرار گیرد.

پیشینه تحقیق

در این پژوهش در بخش منابع اولیه از آثاری نظیر قرآن کریم، سیره ابن‌هشام، مغازی واقدی و تاریخ طبری که حاوی اطلاعات ارزشمندی گرچه به‌صورت پراکنده در این زمینه بوده‌اند استفاده شده است. قرآن کریم که آن را می‌توان نخستین مأخذ تاریخ عرب عصر جاهلی و به‌طور کلی، موثّق‌ترین منبع مدوّن عربی دانست؛ کتابی است که از جانب خداوند متعال نازل شده و در صحت نصّ آن کمترین تردیدی وجود ندارد. در قرآن، برخی از مظاهر زندگی سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و دینی عرب و از جمله مطالبی

در مورد سنت جوار انعکاس یافته است. در این کتاب مشتقات جوار حدود ده بار آمده است که مراد از آن در چند مورد پناه‌دهندگی مطلق پروردگار و در یک مورد زهار دادن و حفظ و حمایت است. به‌عنوان مثال در آیه سی و ششم سوره مبارکه نساء، جار به‌معنای همسایه است و نیکی کردن به وی امر شده است. از کتاب سیره ابن‌هشام نیز می‌توان به‌عنوان نخستین اثر مکتوبی یاد کرد که در زمینه سیره پیامبر ﷺ و تاریخ عرب قبل از اسلام به دست ما رسیده است. هر چند ابن‌هشام در این کتاب که تصحیح و اصلاح سیره محمد بن اسحاق است تغییراتی اعمال نموده و حذف و اضافاتی انجام داده است اما با این حال، کتاب مذکور حاوی اطلاعات ارزشمندی در مورد باورها و سنت‌های عرب در پیش از ظهور اسلام و از جمله سنت جوار می‌باشد. ابن‌هشام به تناسب و در برخی از وقایع تاریخی نظیر بازگشت مهاجران از حبشه و تنظیم پیمان نامه سیاسی مدینه در این مورد سخن گفته است. کتاب **مغازی** اثر محمد بن عمر واقدی از جمله منابع دیگری است که به‌واسطه دقت در ثبت و ضبط وقایع و حجم بالای اطلاعات در مورد عصر رسالت از منابع مهم تاریخ صدر اسلام به‌شمار می‌رود. در این اثر نیز هر چند به صورت پراکنده ولی در مواردی مانند سفر ابوسفیان به مدینه پس از نقض پیمان‌نامه صلح حدیبیه و تلاش وی برای کسب جوار از امام علی علیه السلام و حضرت فاطمه علیها السلام و تجدید قرارداد صلح اطلاعات دقیقی ذکر شده است. در بین تاریخ‌های عمومی نیز تاریخ طبری را می‌توان از جمله منابعی دانست که در مورد سنت جوار و در مقاطع مختلفی از تاریخ اسلام و عصر جاهلی اطلاعاتی را در اختیار خواننده قرار می‌دهد.

اما در بین بیشتر تحقیقات متأخر در مورد تاریخ صدر اسلام و عصر جاهلی، توجه به مسئله جوار به‌صورت پراکنده، مختصر و به تناسب برخی وقایع تاریخی صورت پذیرفته است. در واقع تنها محدودی از این آثار در ذیل عنوانی مستقل به بررسی مسئله جوار پرداخته‌اند. از جمله این آثار می‌توان به کتاب **تاریخ مفصل عرب پیش از اسلام** از جواد علی اشاره نمود. این کتاب از جمله مهم‌ترین آثاری است که حاوی اطلاعات و نکات ارزشمندی در ارتباط با پیشینه سنت جوار در نزد اعراب جاهلی می‌باشد. جواد علی در این اثر ضمن تشریح ویژگی‌های نظام قبیله‌ای و حیات اجتماعی عرب در پیش از ظهور اسلام، جوار را از سنت‌های کهن عرب دانسته که افراد بی‌پناه یا قبایل ضعیف، از آن جهت تأمین امنیت جانی و مالی خود استفاده می‌کردند. کتاب **نظم العرب قبل الاسلام**، تألیف محمود سلام زناتی، از جمله تحقیقات دیگری است که به بررسی سنت‌های اجتماعی عرب جاهلی و از جمله سنت جوار پرداخته است. زناتی فصل پنجم اثر خود را به تشریح سنت جوار در پیش از ظهور اسلام اختصاص داده و اطلاعات تاریخی سودمندی در این زمینه ارائه می‌کند. **بررسی سنت پناه‌دهندگی در جاهلیت و عصر نبوی** علیه السلام عنوان پایان‌نامه‌ای است که در مقطع کارشناسی ارشد توسط خانم آزاده سیار خسمخی تدوین و به راهنمایی

خانم دکتر شهلا بختیاری در دانشگاه الزهرا دفاع شده است. این پایان نامه که در سه فصل تنظیم شده است را می توان از معدود پژوهش های انجام گرفته به زبان فارسی در مورد سنت جوار دانست. نویسنده در این اثر با تکیه بر منابع اولیه و برخی تحقیقات جدید اطلاعات دقیق و ارزشمندی در مورد سنت جوار ارائه می دهد. تمرکز اصلی نویسنده بر وضعیت سنت جوار در عصر جاهلی و اختصاص دوسوم از حجم تحقیق به این بخش، کمرنگ بودن نگاه تحلیلی و غلبه بُعد توصیفی در سراسر پایان نامه و عدم تبیین ماهوی تفاوت های سنت جوار در عصر جاهلی و دوره نبوت از جمله نقدهایی است که می توان بر این اثر وارد کرد. اما با این حال همان گونه که بیان شد پایان نامه مذکور از حیث بررسی مسئله پناهندگی در اشکال مختلف آن نظیر ولاء جار، ولاء قرابت و ولاء حلف در عصر جاهلی، اثری قابل توجه و ارزشمند محسوب می شود.

نکته قابل توجه در مورد پیشینه موضوع، آنکه در کنار کتب تاریخی، پژوهش های ادبی نیز در تبیین خصوصیات عصر جاهلی، از اهمیت و جایگاه ویژه ای برخوردارند. این منابع اگر چه بیشتر، متمرکز بر مباحث تخصصی است اما در لابه لای آنان مباحث مفید و ارزشمندی در مورد تاریخ، فرهنگ و سنت های عرب قبل از اسلام و از جمله سنت جوار دیده می شود. اهمیت این تحقیقات از آن جهت است که شعر و ادب جاهلی یکی از منابع مهم و ارزشمند در مورد تاریخ و حیات مادی و معنوی عرب جاهلی به حساب می آید. در این زمینه و در کنار منابع کهنی نظیر *مجمع الأمثال* میدانی، *الاعنانی ابوالفرج اصفهانی* و *الشعر و الشعراء* ابن قتیبه دینوری، برخی تحقیقات جدید نظیر؛ *تاریخ الادب العربی فی العصر الجاهلی* از شوقی ضیف، *شعر العرب فی العصر الجاهلی* از علی الجندی و *الشعر ایام العرب فی العصر الجاهلی* از عقیف محمد عبدالرحمان از اهمیت ویژه ای برخوردار هستند.

با عنایت به آن چه گفته شد، یکی از دلایل انتخاب این موضوع فقدان یک اثر تحقیقی مستقل در ارتباط با ماهیت و کارکرد سنت جوار در عصر جاهلیت و نحوه تداوم و تحول آن در دوره اسلامی است. از این رو در پژوهش حاضر تلاش شده تا داده های پراکنده تاریخی در این زمینه جمع آوری و تصویر روشن تری از موضوع ارائه گردد. بررسی معنای لغوی و اصطلاحی جوار و سایر دلالت ها و نشانه های مرتبط با آن، انواع، مصادیق، اصول و شرایط اجرای جوار و همچنین ظهور اسلام و مسئله جوار و وجوه تمایز آن با عصر جاهلی، مضمون و محتوای اصلی این مقاله را تشکیل می دهند.

۱. واژه شناسی جوار

جوار در فرهنگ لغات به معانی مختلفی مانند امان، عهد، پناه، همسایگی، محافظت و پیشگیری به کار رفته است. در این فرهنگ ها مجار یا مستجیر به معنای پناهنده و مجیر به معنای پناه دهنده تعریف شده است.

همچنین واژه جار به صورت اضداد یعنی هم به معنای پناهنده و هم به معنای پناه‌دهنده آمده است.^۱ در اصطلاح واژه جار به معنای یاری رساندن به دیگران ذکر شده است. همچنان که این کلمه در برخی از آیات قرآن کریم به همین معنا به کار رفته است.^۲ بر اساس آنچه بیان شد جوار را می‌توان به معنای امان خواستن از دیگران و دور نمودن هرگونه خطری که جان و مال انسان را تهدید می‌نماید ترجمه نمود. پیش از ظهور اسلام با سنت جوار به خوبی آشنا بودند و تحت عناوین مختلفی از آن نام می‌بردند. خفیر از جمله این عناوین بود. آنان افرادی که دیگران را در قلمرو خود پناه می‌دادند خفیر قوم می‌نامیدند. اصمعی این واژه را به معنای پناه دهنده و نگهبان ترجمه نموده است.^۳ جار از جمله کلمات دیگری است که در زبان عربی در معانی مختلفی به کار رفته است. همسایه یکی از رایج‌ترین معانی این کلمه است که جمع آن جیران می‌باشد. جار در مفهوم همسایه در بعد از ظهور اسلام اهمیت ویژه‌ای پیدا کرد، به گونه‌ای که در باب رعایت حقوق همسایه توصیه‌های فراوانی در آموزه‌های دینی ذکر گردیده است. جار در مفهوم دیگری به فردی اطلاق می‌گردد که دیگران را پناه داده و امنیت آنها را در برابر خطرات پیش رو تأمین می‌نماید. در برخی از لغت‌نامه‌ها کلمه جار هم‌معنا با خفیر ذکر شده است.^۴ همچنین این واژه در مفهومی کاملاً متضاد به معنای مستجیر، یعنی درخواست‌کننده امان و پناه به کار رفته است. حلیف، ناصر و زوجه از معانی دیگر این کلمه در زبان عربی هستند.^۵ الاعشی از شعرای مشهور عصر جاهلی، در اشعار خود، زن را به واسطه نزدیکی به مرد و قرار گرفتن در حمایت و پناه او «جاره» خطاب کرده است. به این معنا که مرد خود را موظف به دفاع از همسر و جلوگیری از هرگونه تعدی به آن می‌داند.^۶ «المعید» از جمله کلمات دیگری است که عرب آن را به معنای جار و مجیر گرفته است. به همین دلیل برخی از مفسران در تفسیر آیه چهل و هشتم از سوره مبارکه انفال،^۷ در مقابل تحریک مشرکان و وعده کمک شیطان به آنان، استعاده و کمک خواستن از خداوند متعال را بهترین و بالاترین پناهگاه دانسته که مسلمانان باید همواره و در هر شرایطی به آن توجه داشته باشند، چراکه توکل بر غیر خدا، سبب رها شدن انسان در

۱. ابن منظور، *لسان العرب*، ج ۵، ص ۱۵۳.

۲. مومنون، ۸۸؛ ملک، ۲۸.

۳. علی، *المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام*، ج ۷، ص ۳۶۵.

۴. الأزهری، *تهذیب اللغة*، ج ۴، ص ۴۲.

۵. فیومی، *المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی*، ج ۱، ص ۶۱۴.

۶. زبیدی، *تاج العروس من جواهر القاموس*، ج ۱، ص ۳۰۵؛ ابن منظور، *لسان العرب*، ج ۵، ص ۱۵۳.

۷. وَ إِذْ زَيْنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ وَقَالَ لَا غَالِبَ لَكُمْ الْيَوْمَ مِنَ النَّاسِ وَإِنِّي جَارٌ لَكُمْ فَلَمَّا تَرَأَتِ الْفِئْتَانِ تَنَكَّصَ عَلَيَّ عَقِيْبُهُ وَقَالَ إِنِّي بَرِيءٌ مِنْكُمْ إِنِّي أَرَى مَا لَا تَرَوْنَ إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ وَاللَّهُ شَدِيدُ الْعِقَابِ.

مشکلات می‌شود.^۱ بنابراین در نزد عرب، معیذ هم در معنایی شبیه جوار یعنی امان خواستن نسبت به چیزی که انسان از آن بر جان و مالش می‌ترسد به کار رفته است، چنان که استعاذه، یعنی پناه بردن انسان به خداوند متعال در برابر وسوسه‌های شیطان رانده شده می‌باشد. از آنچه گفته شد می‌توان نتیجه گرفت که واژه‌های جار، مستجیر، خفیر و معیذ، در مفهومی مشترک، دلالت بر کسی دارند که به‌منظور دفاع از جان، مال و خانواده خود، دست کمک و یاری به سوی دیگران دراز می‌کند.^۲

۲. پیشینه و انواع جوار

بررسی تاریخ شبه جزیره عربستان نشان می‌دهد که بین شرایط سیاسی، اجتماعی و جغرافیایی این شبه جزیره با سنت جوار پیوند وثیق و استواری وجود داشت. حجاز و بخش مرکزی که خاستگاه این سنت بود برخلاف مناطق جنوب شبه جزیره، منطقه‌ای خشک، خشن و فاقد باران‌های منظم بوده و جز در مناطق کوهستانی و باریکه‌های ساحلی، دارای هوای گرم و سوزان بود. استمرار این وضعیت که نتیجه‌ای جز فقر منابع معیشتی و شرایط سخت اقتصادی برای اعراب نداشت، باعث گردیده بود تا قدرت‌ها و تمدن‌های بزرگ جهان، رغبت و چشم‌داشتی به این سرزمین نداشته باشند. نکته‌ای که جاحظ بر آن واقف گشته و تأکید می‌کند که کسی را رغبت غلبه بر شهر مکه نبود.^۳ از سوی دیگر در نتیجه همین محدودیت تعاملات اجتماعی و فرهنگی، اعراب، دولت‌های متمدن و تشکیلات منظم شهری را به دیده حقارت نگریسته و زندگی در صحرا و رهایی از هر قیدوبندی را ترجیح دهند. بر این اساس، فقدان دولت، عدم حاکمیت قانون و قانون‌گریزی، اصرار بر تعصبات قومی، اعتقاد به اوهام و خرافات و حاکمیت نظام قبیله‌ای منجر به ظهور سنت‌های خاصی در میان اعراب شبه جزیره گردیده بود که جوار یکی از معروف‌ترین و مهم‌ترین این سنت‌ها بود. این سنت به دو شکل جوار گروهی مانند جوار خانه، فخذ، بطن، عماره، قبیله و یا عشیره و جوار افراد در میان عرب جاهلی رایج بود. آنان برای هر دو نوع جوار حرمتی مقدس قائل بودند.^۴ در عقد جوار که هدف از آن، طلب حمایت و محافظت بر نفس و اهل و مال بود، معمولاً کسی آن را طلب می‌کرد که به آن احتیاج داشته باشد. همچنین نزدیکی محل زندگی جار به مجیر شرط نبوده و فرد می‌توانست در هر فاصله‌ای از مجیر درخواست جوار نماید؛ ضمن آنکه معمولاً این درخواست از کسی می‌شد که بتواند از وی دفاع نماید.^۵

۱. قرآنتی، تفسیر نور، ج ۳، ص ۳۳۳.

۲. الأزهري، تهذيب اللغة، ج ۴، ص ۴۲۰؛ فراهیدی، العین، ج ۱، ص ۳۲۰.

۳. جاحظ، رسائل، ج ۱، ص ۱۸۷.

۴. علی، المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، ج ۷، ص ۳۵۶.

۵. همان، ص ۳۶۲.

۱-۲. درخواست جوار از جن

یکی از انواع جوار در نزد عرب جاهلی، درخواست کمک از جن بود. اعتقاد به جن در تاریخ بشر از قدمتی دیرینه برخوردار است. جن و شیاطین در میان اقوام کهن از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده و نقش مهمی در زندگی آنان برعهده داشته که کمتر از نقش خدایان نبوده است. بر حسب میزان برخورد عقلانی هر قوم و باورها و داستان‌های موروثی، گروه جن و شیاطین با اسامی و عملکردهای مختلف در میان اقوام گوناگون تعریف شده است. در میان اقوام و ملت‌های کهن، اعراب اعتقاد ویژه‌ای به اجنه و تأثیرگذاری آنان در امر خلقت و سرنوشت انسان داشتند. بازتاب این موضوع را می‌توان به خوبی در اشعار جاهلی مشاهده نمود. وجود بیابان‌های وسیع در کنار توهّم و در عین حال ترس اعراب از جن باعث گردیده بود که آنان صحراهای خشک، ویرانه‌ها و خرابه‌های خالی از سکنه را مأوا و منزل اجنه و شیاطین بدانند. در شعر شاعران عرب، مکان‌های بسیاری به‌عنوان جایگاه جن ذکر و به آن مَثَل زده شده است.^۱ نکته جالب آنکه اعراب بر این باور بودند که اجنه می‌توانند بسیاری از حیوانات، پرندگان، خزندگان و حشرات را به‌عنوان مرکب در اختیار گیرند. راغب اصفهانی در این زمینه می‌نویسد:

آنان ادعا می‌کنند که جن بر تمام حیوانات وحشی و پرندگان سوار می‌شود، مگر خرگوش، کفتار و میمون ... و گفته‌اند بیش از همه از خاریشت، شترمرغ و نوعی سوسمار به‌عنوان مرکب استفاده می‌کند ... و گفته‌اند اگر کسی در اول شب (سرشب) بعضی از این مرکب‌های جن را بکشد، باید منتظر عقوبت آن بر شتر نر خود باشد. (از شتر خود ایمن نیست) و چنان که نزدیکان یا اموال او دچار مصیبت و بیماری شوند، چنین حکم می‌شود که این حال به خاطر عقوبت قتل آن جانور است.^۲

وجود چنین باورهایی در نزد اعراب باعث گردیده بود تا آنان در هنگام عبور از بیابان‌ها و گذر از کنار خرابه‌ها (مخصوصاً در هنگام شب) به‌منظور در امان ماندن از آزار اجنه از سنت جوار استفاده نمایند. جاحظ در این زمینه می‌نویسد:

گروه‌های اعراب، وقتی در بیابان و یا در میان سرزمین‌های خالی از سکنه قرار می‌گرفتند از ترس آنکه طایفه جنیان و غولان ماده و نر و شیاطین در اطراف آنها بچرخند و با آنها بازی و تفریح کنند، یکی از آنان برمی‌خاست و صدایش را بلند می‌کرد که: انا عائدون بسید هذا الوادي (ما به سرور و رئیس این وادی پناه آورده‌ایم).

۱. همدانی، صفة جزیره العرب، ص ۱۲۸ و ۱۵۴.

۲. اصفهانی، محاضرات الابداء، ج ۲، ص ۲۸۱.

بدین ترتیب اعراب معتقد بودند که با این عمل هیچ کس به آنان آزار نمی‌رسانید و به خاطر آن سخنان مورد استقبال قرار می‌گرفتند.^۱

۲-۲. طلب جوار از قبور

یکی از آداب و رسوم اعراب در عصر جاهلیت که تا دوران اسلامی نیز امتداد یافت، پناه بردن به قبور بود؛ به‌عنوان مثال آنان در پیش از ظهور اسلام، در مواقع خطر و به‌منظور حفاظت از جان و مال خود به قبر «عامر بن طفیل» پناه می‌بردند. به همین دلیل قوم عامر بن طفیل تا مسافتی مشخص در اطراف قبر او حریمی مشخص کرده بودند و اگر چنانچه فردی وارد آن می‌شد و به قبر پناه می‌برد خودش و مالش از هرگونه تهدیدی در امان بودند.^۲ از جمله افراد دیگری که مردم در عصر جاهلیت به آن پناه می‌بردند، قبر «تیم بن مر» بزرگ خاندان قبیله تمیم بود. همچنین قبر عوف بن ملحَم بن ذهل در وادی عوف نیز در نزد مردم دارای چنین جایگاهی بود؛ آنان بعد از مرگ وی و دفن او در یکی از وادی‌های مکه، گنبدی بر فراز آن برپا کردند و به این ترتیب مأمنی برای افرادی شد که به آن پناه می‌بردند.^۳ این سنت در بعد از ظهور اسلام هم تداوم پیدا نمود. قبر غالب بن صعصعه بن ناجیه، پدر فرزددق، شاعر مشهور، از جمله قبوری بود که مردم در بعد از اسلام به آن پناه می‌بردند.^۴ یکی از کسانی که به قبر پدر فرزددق پناه برد زنی از بنی جعفر بن کلاب بود. واقعه مذکور در زمانی رخ داد که فرزددق به‌دلیل اختلاف با بنی‌جعفر تصمیم به هجو آنان گرفت. این زن که نگران بود فرزددق در اشعارش از او نام برده و یا مورد اهانت قرار دهد به قبر پدر فرزددق پناه برد و به این ترتیب خود را از هجو شاعر در امان نگاه داشت.^۵

۲-۳. طلب جوار از معابد و اماکن مقدس

پناه بردن به معابد و اماکن مقدس یکی دیگر از انواع جوار در نزد اعراب جاهلی بود. جواد علی در این باره می‌نویسد اگر فردی وارد این اماکن می‌گردید نسبت به جان و مالش در امان بود. این اماکن به نوعی حرم محسوب می‌شدند و پناهنده به آن از جوار برخوردار بود. به‌عنوان مثال کسی که به مسجدالحرام وارد و خود را در جوار آن قرار می‌داد، از امنیت کامل برخوردار بود و هیچ فردی اجازه تعرض به آن را نداشت. این امنیت ناشی از حرمت مسجدالحرام در نزد مردم بود، ضمن آنکه در چنین مواقعی قریش

۱. جاحظ، *البيان والتبيين*، ج ۶، ص ۶۷

۲. علی، *المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام*، ج ۷، ص ۳۶۳.

۳. همان، ص ۳۶۴.

۴. سعید، *الکامل فی اللغة العربیة*، ج ۱، ص ۱۳۰.

۵. مبرد، *الکامل فی اللغة والادب*، ج ۱، ص ۱۳۱.

موظف به دفاع از شخص پناهنده بود.^۱ از جمله اماکن مقدس دیگر در نزد اعراب که قبلاً هم به آن اشاره گردید، آرامگاه عوف بن ملحَم بن ذهل بود که در نزد اعراب به نام «بقیه المعاذ» مشهور و کسی که به آن پناهنده می‌شد در جوار بنی‌عوف قرار می‌گرفت. اهمیت این حرم به گونه‌ای بود که اعراب به آن مثال می‌زدند.^۲

۴-۲. طلب جوار از رؤسای قبایل و حکام

طلب حمایت از اشخاص مطرح و دارای اعتبار توسط افراد ضعیف، در تاریخ عرب جاهلی از پیشینه‌ای طولانی برخوردار است. این افراد که عمدتاً از رؤسای قبایل و افراد صاحب‌نام به حساب می‌آمدند به این کار افتخار می‌کردند و بر آن اصرار داشتند.^۳ از جمله نمونه‌های تاریخی این امر می‌توان به درخواست جوار مردی از بنی‌تمیم از زبیر بن عبدالمطلب اشاره نمود. در ارتباط با این واقعه، منابع تاریخی نقل کرده‌اند که حرب بن امیه، پدر ابوسفیان، که از بزرگان مکه در عصر جاهلیت به حساب می‌آمد، به واسطه اعتباری که در بین قبایل داشت، روسای قریش همواره در سخن گفتن یا ورود و خروج از مکانی، وی را مقدم بر خود می‌داشتند؛ اما یک‌بار که وی قصد ورود به مکانی را داشت، مردی از قبیله بنی‌تمیم بدون توجه به جایگاه حرب بن امیه، بر او پیشی گرفت، حرب که گمان می‌کرد مرد تمیمی وی را نشناخته، به معرفی خود پرداخت، اما آن مرد بدون توجه به سخنان وی، از او پیش افتاد، در این زمان، حرب گفت وعده ملاقات من با تو در مکه خواهد بود. بعد از مدتی که مرد تمیمی قصد ورود به مکه را داشت، به واسطه بیم از جان خود، قبل از ورود به شهر گفت، چه کسی مرا در برابر حرب جوار می‌دهد؟ به وی گفتند فرزندان عبدالمطلب تو را حمایت خواهند کرد. بنابراین مرد تمیمی شبانه به درب منزل زبیر بن عبدالمطلب رفت و دق‌الباب نمود. زبیر به برادرش غیداق گفت مردی به طلب حاجت یا کمک به سوی ما آمده است. آن چه بخواهد به وی خواهیم داد و سپس زبیر به سمت آن مرد روانه گردید و بدین ترتیب جوار وی باعث مصونیت آن مرد تمیمی گردید.^۴ یکی از افرادی که در عصر جاهلی در زمینه دادن جوار، شهرت ویژه‌ای داشت، عبدالله بن جدعان بود، وی که از مشاهیر و سرشناسان قریش به حساب می‌آمد در برابر درخواست جوار دیگران روی خوش نشان داده و از آنان حمایت می‌نمود. از جمله کسانی که وی به آن جوار داد حارث بن ظالم، قاتل فرستاده پادشاه حیره یعنی خالد بن جعفر بن کلاب بود. پادشاه حیره که

۱. علی، *المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام*، ج ۷، ص ۳۶۳.

۲. ابن‌درید، *الاشتقاق*، ص ۲۱۵.

۳. ازهری، *تهذیب اللغة*، ج ۴، ص ۴۲۰.

۴. عاصمی، *النجوم العوالی فی أنباء الأوائل و التوالی*، ج ۲، ص ۵۴.

از این اقدام به خشم آمده بود، دستور تعقیب حارث بن ظالم را صادر کرد. حارث که بر جان خود بیمناک شده بود به عبدالله بن جدعان که در آن زمان در بازار عکاظ بود پناه آورد و در جوار وی موفق گردید جان خود را نجات بخشد.^۱ در بین شواهد تاریخی جوار در عصر جاهلی، شاید درخواست نعمان بن منذر، پادشاه حیره، جهت حفاظت از کاروان‌های تجاری خود را بتوان از معروف‌ترین نمونه‌های سنت جوار در پیش از اسلام دانست. این کاروان‌ها که عمدتاً حامل مُشک، مر و کندر بودند، گاهی اوقات در مسیر خود به سمت بازار عکاظ مورد دستبرد سارقان قرار می‌گرفتند. از این رو وی به منظور حفاظت از این کاروان‌ها، با استفاده از سنت جوار، امنیت آنها را از طریق بزرگان تهامه تأمین نمود.^۲ حتی در برخی از منابع تاریخی به استفاده برخی از پادشاهان ایرانی، نظیر خسرو پرویز، از این سنت جهت تأمین امنیت کاروان‌های تجاری ایرانیان در حین عبور از شبه جزیره پیش از اسلام اشاره شده است.^۳ هم‌نشینی طولانی‌مدت یهودیان با اعراب شبه جزیره باعث گردیده بود، تا این سنت در بین آنان نیز رواج یابد. به گونه‌ای که کعب بن الاشرف در این زمینه از شهرت ویژه‌ای برخوردار بود.^۴ سعد بن عباد، از بزرگان یثرب، جزو کسانی بود که در عصر جاهلیت، کاروان‌های تجاری مطعم بن عدی و حارث بن حرب بن امیه در جوار وی و بدون هیچ مشکلی از یثرب عبور می‌کردند. این موضوع باعث گردید تا زمانی که در جریان بیعت عقبه دوم، مشرکان مکه بر وی دست یافتند، به پاس خدماتش در این زمینه، او را آزاد نمایند.^۵ سنت جوار و پناه دادن به دیگران، در بین اعراب آنچنان رایج بود و به آن افتخار می‌کردند که برخی از آنان در این زمینه راه افراط را می‌پیمودند، به گونه‌ای که یکی از مثل‌های رایج در بین آنها پناه‌دهنده‌تر از پناه‌دهنده ملخ بود. علت اشتها این مثل در بین اعراب از آن جهت بود که مدلیج بن سوید الطائی که مشهور به وفای عهد و جوانمردی بود، شکار ملخ را در قلمرو خود ممنوع نمود. وی اعلان کرد ملخ‌هایی که در اطراف چادرهای قبیله وی فرود می‌آیند تا زمانی که در آنجا هستند در امان هستند و کسی حق شکار آنها را ندارد.^۶

۳. اصول و شرایط جوار

اهمیت سنت جوار در نزد اعراب باعث گردیده بود تا اجرای آن تابع ضوابط و شرایط ویژه‌ای باشد، به گونه‌ای که هم پناه‌دهنده و پناه‌جوینده ملزم به رعایت آن بودند. برخی از این ضوابط عبارت بود از:

۱. بلاذری، *انساب الأشراف*، ج ۱، ص ۴۲.
۲. ابن حبیب، *المحبر*، ج ۱، ص ۱۶۵.
۳. سهیلی، *الروض الأنف فی شرح السیرة النبویة لابن هشام*، ج ۳، ص ۱۸.
۴. ابن هشام، *السیرة النبویة*، ج ۱، ص ۲۸۷.
۵. بلاذری، *انساب الأشراف*، ج ۷، ص ۲۵۲.
۶. میدانی، *مجمع الامثال*، ج ۱، ص ۲۲۱.

۳-۱. عدم الزام حضور مستجیر (پناه‌جوینده) در منزل مجیر (پناه‌دهنده)

یکی از اصول سنت جوار آن بود که فرد پناه‌جوینده پس از دریافت امان از پناه‌دهنده، نیازی به حضور در منزل آن را نداشت.^۱ تردیدی نیست علت این امر منبعث از ساختار قومی و قبیله‌ای شبه‌جزیره بود. زیرا بنیاد حمایت از فرد پناه‌جوینده، نه قدرت فردی شخص جواردهنده بلکه نظام قبیله‌ای حاکم بر این شبه‌جزیره بود. به عبارت دیگر مبنای بسیاری از ارزش‌ها، سنت‌ها و پیوندهای اجتماعی در حجاز و سایر مناطق عربستان مبتنی بر قبیله بود. قبیله در جامعه عرب جاهلی، نه تنها شالوده حیات و بقای تمام پیوستگی‌های فردی و اجتماعی عرب به‌شمار می‌رفت، بلکه تمام ارکان شخصیت و مظاهر فکری و عقلی او را نیز شکل می‌داد.^۲ اهمیت حفظ نسب و خون مشترک باعث می‌گردید تا اعضای قبیله در شرایط سراسر ناامن صحرا و زندگی بدوی و حتی جامعه شبه‌شهری، تشکل اجتماعی قدرتمندی پدید آورده و حصار از مراقبت و مدافعه از عناصر قبیله‌ای تشکیل دهند. پیوند عمیق عرب جاهلی با قبیله را می‌توان در شدت تعصبات عدیده او نسبت به قلمرو قبیله، متحدین، دیانت و سنت‌های آن مشاهده نمود.^۳ در این میان سنت جوار نمادی بارز و تجلی آشکاری از پیوند فرد و قبیله بود. به این معنا که هرچند پذیرش درخواست جوار از سوی رئیس قبیله اتفاق می‌افتاد؛ اما اعطای آن از سوی هر کدام از مردان و بزرگان قبیله باعث می‌گردید تا تمامی قبیله و حتی قبایل هم‌پیمان، خود را موظف به حمایت از فرد پناه‌جوینده بدانند. به این ترتیب شالوده استحکام سنت جوار، نه توانمندی و اعتبار فردی جواردهنده بلکه جایگاه فرد در قبیله و اقتدار قبیله‌ای او بود.^۴ به عبارت دیگر باتوجه به همین ساختار قبیله‌ای موجود در شبه‌جزیره و پایبندی اعراب به سنت‌های آن، به محض اعلان عمومی جوار، مستجیر (پناه‌جوینده) از هرگونه تعرض جانی و مالی در امان بود و امکان رفت‌وآمد آسوده در میان قبایل را پیدا می‌نمود. به عنوان مثال در برخی از منابع اسلامی اشاره گردیده که در سال دهم بعثت، بعد از سفر تبلیغی پیامبر ﷺ به شهر طائف، به دلیل رحلت ابوطالب و احتمال تعرض مشرکین به ایشان، پیامبر ﷺ به ناچار در پناه مطعم بن عدی وارد شهر مکه شد. ابن سعد در این باره می‌نویسد:

پیامبر ﷺ شبانه وارد مکه شد و یک‌سره به منزل مطعم رفت و شب را در آن جا به‌سر برد. آفتاب کمی بالا آمد. مطعم عرض کرد: اکنون که شما در پناه من هستید، باید این مطلب را قریش بفهمند و برای اعلام آن لازم است شما تا مسجد الحرام، همراه باشید.

۱. علی، *المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام*، ج ۷، ص ۳۶۲.

۲. زرگری نژاد، *تاریخ صدر اسلام (عصر نبوت)*، ص ۱۶۰.

۳. الألوسی، *بلوغ الأرب فی معرفة أحوال العرب*، ج ۳، ص ۱۸۲.

۴. زرگری نژاد، *تاریخ صدر اسلام (عصر نبوت)*، ص ۱۷۰.

پیامبر ﷺ رأی او را پسندیده و آماده حرکت شد. مطعم دستور داد که فرزندانش مسلح شوند و همراه پیامبر وارد مسجد گردند. ورود آنان به مسجد الحرام نیز جالب بود، زیرا ابوسفیان که مدت‌ها در کمین رسول خدا ﷺ بود، از دیدن این منظره، سخت ناراحت شد و از تعرض به پیامبر ﷺ منصرف گشت. مطعم و فرزندانش نشستند و رسول خدا ﷺ شروع به طواف کرد و پس از پایان طواف به منزل خود رفت.^۱

۳-۲. اعلان عمومی جوار

اعلان آشکار و عمومی جوار توسط مجیر (پناه‌دهنده) یکی از شروط اساسی اجرای این سنت به حساب می‌آمد. این اقدام معمولاً در اماکن عمومی و غالباً در موسم حج یا بازارهای معروف به‌عمل می‌آمد. هنگامی که این خبر اعلام و مردم از آن مطلع می‌گشتند، مسئولیت حمایت از مستجیر (پناه‌جوینده) و اعمالی که از وی صادر می‌شد بر عهده مجیر (پناه‌دهنده) قرار می‌گرفت.^۲ فرد نیازمند کمک، به‌منظور تضمین بیشتر امنیت، تلاش می‌کرد تا خود را در جوار حکام، رؤسای قبایل یا افراد سرشناس قرار دهد. این کار معمولاً با ورود به سراپرده، چادر یا اطراف محل اقامت آنان و درخواست امان و کمک صورت می‌پذیرفت.^۳ برخی از این افراد ممکن بود در تاریکی شب و به‌صورت مخفیانه به درب منزل مجیر (پناه‌دهنده) مراجعه و درخواست جوار نمایند.^۴ در مواردی در خواست جوار از مجیر (پناه‌دهنده) ممکن بود با واسطه و توسط فرد سومی صورت پذیرد.^۵ در برخی موارد ممکن بود مجیر (پناه‌دهنده) در ابتدا درخواست مستجیر (پناه‌جوینده) را نپذیرد در چنین مواقعی، مستجیر (پناه‌جوینده) قسمتی از لباس خود را به چادر یا درب منزل او می‌بست و به این ترتیب حکم همسایه را پیدا می‌نمود که دفاع از آن بر اهل خانه واجب می‌شد.^۶ در برخی موارد هم پناه‌جوینده از طریق گره زدن طناب خود به طنابی که پناه‌دهنده به وسیله آن از چاه آب بیرون می‌کشید درخواست جوار می‌نمود.^۷ یکی از رسوم اعراب جاهلی در دریافت جوار آن بود که مستجیر (پناه‌جوینده) پس از وارد شدن بر مجیر (پناه‌دهنده) و به نشانه درخواست جوار

۱. ابن‌سعد، *طبقات الکبری*، ج ۱، ص ۲۱۲ «البتة لازم به توضیح است که علامه جعفر مرتضی عاملی در کتاب «*الصحيح*

من سيرة النبي الاعظم» در مورد این گزارش ابن‌سعد تردیدهای جدی وارد نموده است».

۲. علی، *المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام*، ج ۷، ص ۳۶۰.

۳. همان، ص ۳۶۱.

۴. عاصمی، *سمط النجوم العوالی فی أنباء الأوائل و التوالی*، ج ۲، ص ۵۴.

۵. ابن‌هشام، *سيرة النبوة*، ج ۱، ص ۱۱۰.

۶. اصفهانی، *الاعانی*، ج ۲، ص ۷۴.

۷. سلام زناتی، *نظم العرب قبل الاسلام*، ص ۱۴۵.

نیزه خود را به حالت واژگون در می‌آورد، اگر چنانچه مجیر (پناه‌دهنده) موافق اعطای جوار بود در کنار مستجیر (پناه‌جوینده) می‌ایستاد و نیزه او را بلند می‌نمود. به‌عنوان مثال زمانی که حارث بن ظالم از ترس پادشاه حیره گریخت و در بازار عکاظ به عبدالله بن جدعان پناه آورد، در حالی که نیزه خود را وارونه نموده بود در مقابل چادر وی ایستاد. عبدالله پس از آنکه او را شناخت نیزه حارث را بلند کرد و به او جوار داد و حارث تا زمان دریافت امان نامه از پادشاه حیره در مکه سکنی گزید.^۱

۳-۳. پایبندی مجیر (پناه‌دهنده) به جوار

پایبندی و تعهد اخلاقی مجیر (پناه‌دهنده) به حمایت از فرد پناه‌جوینده یکی دیگر از اصول سنت جوار بود، به‌گونه‌ای که تخلف از آن منجر به بدنامی فرد مجیر (پناه‌دهنده) و قبیله آن می‌گردید.^۲ تعیین زمان و مدت استمرار جوار، بسته به درخواست پناه‌جوینده و نوع جوار متفاوت بود. گاه مجیر (پناه‌دهنده) متعهد می‌شد که از مستجیر (پناه‌جوینده) در برابر شخص یا قبیله‌ای دفاع کند. برخی اوقات نیز تعهد او عام بود. هر چند مدت زمان جوار در برخی موارد مطلق و دائم بود اما در بیشتر اوقات، جوار موقت و با تحقق هدفی که پیمان جوار به آن سبب بسته شده بود پایان می‌یافت.^۳ در جوار موقت معمولاً سه روز حرمت مستجیر (پناه‌جوینده) را نگاه می‌داشتند و بعد از آن حفاظت از او به پایان می‌رسید مگر آنکه مجیر (پناه‌دهنده) جوار خود را تجدید می‌کرد. از جمله کسانی که از جوار موقت استفاده می‌کردند، افراد بیگانه و مسافرانی بودند که با استفاده از حق جوار، آسایش و امنیت مالی و جانی خود را به‌صورت موقت تأمین می‌نمودند.^۴ در چنین مواردی حتی اگر اعمال سوئی از آنان سر می‌زد از سوی مجیر (پناه‌دهنده) بخشیده می‌شدند، به‌گونه‌ای که در چنین مواقعی مجیر (پناه‌دهنده) خطاب به فرد پناه‌جوینده بیان می‌نمود که اگر جوار نداشتی حتماً به‌خاطر این اعمال کشته می‌شدی.^۵ اهمیت وفای به عهد در نزد اعراب جاهلی باعث می‌گردید تا فرد جوار‌دهنده خود را ملزم به رعایت شروط جوار نماید زیرا در غیر این صورت به نقض عهد متهم شده و از سوی دیگران مورد سرزنش قرار می‌گرفت.^۶ به همین دلیل رؤسای قبایلی که احساس می‌کردند نمی‌توانند پایبند به شروط جوار باشند، از اعطای آن خوداری نموده و از این طریق خود، خانواده و قبیله خود را در معرض سرزنش و نفرین قرار نمی‌دادند.^۷

۱. بلاذری، *انساب الاشراف*، ج ۱، ص ۴۲.

۲. شوقی ضیف، *تاریخ الادب العربی فی العصر الجاهلی*، ج ۴، ص ۶۹.

۳. ابن حبیب، *المحبر*، ص ۳۵۲؛ علی، *المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام*، ج ۴، ص ۳۶۲.

۴. ابن اثیر، *أسد الغابة فی معرفة الصحابة*، ج ۱، ص ۳۲۱.

۵. علی، *المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام*، ج ۷، ص ۳۶۴.

۶. زبیدی، *تاج العروس*، ج ۳، ص ۱۸۶.

۷. ابن فارس، *معجم مقاییس اللغة*، ج ۲، ص ۲۱؛ فراهیدی، *العین*، ج ۱، ص ۳۲۰.

۳-۴. امکان درخواست جوار از افراد غیر زنده

یکی دیگر از ویژگی‌های جوار آن بود که زنده بودن مجیر (پناه‌دهنده) شرط کسب آن به حساب نمی‌آمد. به عبارت دیگر افراد متقاضی جوار، الزامی به مراجعه به افراد زنده جهت برخورداری از مزایای این سنت نداشتند. قبور بزرگان، معابد و اماکن مقدس از جمله مکان‌هایی بودند که افراد می‌توانستند جهت دریافت جوار و تأمین امنیت خود به آنها مراجعه نمایند.^۱ در چنین مواقعی صاحبان آن قبر یا متولیان معبد موظف به رعایت حق جوار بودند. چنان که آل مَلَحَم بن دُهَل در وادی عوف، قبه‌ای به نام «قبة المعاذ» داشتند که هر کس به آن پناه می‌برد به وی جوار می‌دادند.^۲ این‌گونه جوار مختص عهد جاهلی نبوده و در دوره اسلامی نیز تداوم یافت. به‌عنوان مثال زمانی که افرادی به قبر عامر بن طفیل پناهنده می‌شدند بر جان و مال خود ایمن بودند.^۳

۴. عصر نبوت و سنت جوار

هر چند ظهور اسلام و آغاز رسالت رسول خدا ﷺ، شبه‌جزیره عربستان را در شرایط جدیدی قرار داد و موجب دگرگونی در بسیاری از آداب و رسوم اعراب گردید اما جوار از جمله سنت‌هایی بود که همچنان اهمیت و اعتبار خود را حفظ نمود. به‌گونه‌ای که حتی در آغاز دعوت اسلامی، سنت جوار و اجرای آن تنها مختص به مشرکین نبوده و شامل مسلمانان نیز می‌گردید. در این زمینه نمونه‌های فراوانی را می‌توان نام برد که به برخی از آنان در ذیل اشاره می‌گردد.

۴-۱. پیامبر ﷺ و استفاده از سنت جوار

در سال دهم بعثت و به‌دنبال رحلت ابوطالب، فشارهای مشرکین بر پیامبر ﷺ جهت مقابله با دین اسلام گسترش یافت. این فشارها که جامعه کوچک و نوپای مسلمانان در مکه را در بر می‌گرفت به‌گونه‌ای بود که دعوت رسول خدا ﷺ را در این شهر با بن‌بست مواجه نموده و زمینه‌های گرایش به دین جدید را در میان مردم به حداقل رساند. در چنین شرایطی و به‌منظور شکستن بن‌بست دعوت، رسول خدا ﷺ تصمیم به سفر تبلیغی به شهر طائف گرفت. هر چند اقامت ده روزه پیامبر ﷺ در این شهر گرایش‌هایی را در بین طبقات محروم طائف نسبت به اسلام ایجاد نمود؛ اما در نهایت و تحت فشار اشراف این شهر، پیامبر ﷺ مجبور به ترک طائف شد. موقعیت شکننده پیامبر ﷺ در شهر مکه و امکان تعرض برخی از

۱. علی، *المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام*، ج ۷، ص ۳۶۲.

۲. ابن‌درید، *الاشقاق*، ج ۲، ص ۳۵۸.

۳. علی، *المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام*، ج ۴، ص ۳۶۳ - ۳۶۲.

سران شرک نسبت به ایشان مسئله‌ای بود که پیامبر ﷺ باید برای آن تدبیری می‌اندیشید. از این رو رسول خدا ﷺ تصمیم گرفت تا با استفاده از سنت جوار وارد مکه گردد. هر چند این درخواست پیامبر ﷺ در ابتدا توسط افرادی مانند اخنس بن شریق ثقفی و سهیل بن عمرو پذیرفته نشد اما در نهایت ایشان تحت جوار مطعم بن عدی وارد مکه شد.^۱

۴-۲. استفاده از سنت جوار در بازگشت مهاجران از حبشه

یکی دیگر از نمونه‌های جوار مشرکان به مسلمانان را می‌توان در هنگام بازگشت مهاجران مسلمان از حبشه مشاهده نمود. این مسلمانان که در جوار و حمایت نجاشی پادشاه حبشه قرار داشتند، مطلع شدند که قریش و سران شرک از کفر خود برگشته و اسلام آورده‌اند. از این رو تصمیم به ترک حبشه و بازگشت به مکه گرفتند. اما زمانی که به نزدیکی مکه رسیدند، دریافتند که اسلام آوردن قریش شایعه‌ای بیش نبوده و آنان همچنان بر کفر خود باقی مانده‌اند. بنابراین هر یک از آنان به‌ناچار در جوار فرد مطرحی وارد مکه شدند. از جمله کسانی که در جوار قریش وارد مکه شد عثمان بن عفان و خانواده‌اش بود. وی در جوار اخیحه بن سعید بن عاص امیه وارد شهر شد. زمانی که عثمان خواست وارد مکه شود، منادی ندا داد که ای مردم! همانا اخیحه به عثمان پناه داده است، پس کسی متعرض او نشود. در این زمان ابوحنظله بن عتبّه بن ربیعّه در جوار امیه، مصعب بن عمیر در جوار نصر بن حارث بن کلدّه، زبیر بن عوام در جوار زمعه بن اسود، عبدالرحمن بن عوف در جوار اسود بن عبدیغوث، عثمان بن مظعون جحمی در جوار ولید بن مغیره بن مخزومی، عامر بن ربیعّه عنزی در پناه عاص بن وائل سهمی، ابوسیره بن ابی‌رهم در جوار سهیل بن عمرو و حاطب بن عمر در جوار حویطب بن عبدالعزی وارد مکه شدند.^۲ نکته قابل توجه آنکه برخی از این افراد بعد از مدتی از اینکه خود را در جوار مشرکین قرارداده بودند پشیمان شدند و درخواست فسخ آن را نمودند. به‌عنوان مثال عثمان بن مظعون پس از چندی با خود گفت ای وای بر من، چگونه خود را در جوار یک مشرک قرار داده‌ام درحالی که پناهگاهی محکم‌تر و عزیزتر از خدای یگانه نیست. از این رو به نزد ولید رفت و از او خواست که به جوارش پایان دهد. ولید گفت ای پسر من آیا چیزی جز خیر از من دیده‌ای؟ آیا کسی به تو آسیبی رسانده است؟ در این زمان ولید بن ربیعّه کلابی گفت که ای اهل قریش به خدا قسم که هم‌نشینی با شما ننگ نیست و حماقت دور از شان شما است. همانا این جوان نادان به دین شما و پدرانتان پشت کرده است. در این زمان برخی از بنی‌مغیره برخاستند و بر صورت عثمان سیلی زدند. ولید بن مغیره چون این اتفاق را دید خندید و در حالی که به چشمانش نگاه می‌کرد

۱. ابن‌هشام، سیره النبویه، ج ۱، ص ۱۰۸ - ۱۰۷.

۲. بلاذری، انساب الاشراف، ج ۱، ص ۹۸.

گفت. فرزندم اکنون چه می‌گویی؟ به جوار من برگرد که در آن صورت کسی نمی‌تواند به تو آسیبی برساند. عثمان گفت همانا امیدوارم این سیلی ذخیره من در نزد خدا باشد و به خدا سوگند به جوار جزی جوار او بر نمی‌گردد. همچنین برخی از مهاجران مسلمان مانند ابوعبیده جراح، بدون اینکه خود را در جوار فردی قرار دهند به صورت مخفیانه وارد مکه شدند تا اینکه مجدداً به حبشه مهاجرت کردند.^۱

۳-۴. تجلی سنت جوار در پیمان نامه مدینه

توجه به سنت جوار و استفاده از آن بعد از مهاجرت پیامبر ﷺ به مدینه نیز همچنان ادامه یافت. در واقع می‌توان گفت که هر چند سنت جوار از عادات و رسوم جاهلی به حساب می‌آمد، اما اسلام به آن توجه ویژه‌ای نمود و آن را به عنوان یک قرارداد اجتماعی در خدمت اسلام و مسلمانان قرار داد. شاید اولین نشانه‌های توجه به این سنت را بتوان در جریان تدوین پیمان نامه سیاسی مدینه مشاهده نمود. این پیمان نامه که آن را می‌توان نخستین گام برای ایجاد قانون اساسی مبتنی بر قرآن دانست در سال اول هجرت و به پیشنهاد پیامبر ﷺ میان گروه‌های اجتماعی ساکن در مدینه اعم از مسلمانان، یهودیان و مشرکان منعقد گردید. بررسی مفاد پیمان نامه مذکور نشان می‌دهد که اساس برخی از بندهای آن بر پایه سنت جوار می‌باشد. به گونه‌ای که آن را می‌توان یکی از مهم‌ترین مبانی پیوند مسلمانان در عهدنامه مذکور دانست. بر اساس یکی از بندهای این پیمان نامه در صورتی که هر یک از مسلمانان فردی را در پناه خود می‌گرفت، جوار وی محترم و همگی ملزم به رعایت آن بودند. نکته مهم آنکه در این زمینه هیچ فرقی بین رئیس قبیله به عنوان بالاترین مقام، با سایر افراد اعم از زن، کودک یا غلام نبود.^۲ بر اساس یکی دیگر از بندهای این پیمان نامه مسلمانان مجاز به دادن جوار به مشرکین و قریش نبوده و آنها از حق پناهندگی محروم بودند. همچنین بر اساس همین بند، یهودیانی که این پیمان نامه را پذیرفته بودند حق حمایت از مشرکین و دادن جوار به آنان را نداشتند. در بند دیگری از این پیمان نامه آمده است که «برای هیچ مومنی که معتقد به این سند باشد و به خدا و روز قیامت ایمان داشته باشد جایز نیست که به جنایتکار جوار دهد و بر کسی که جنایتکار را یاری دهد یا او را پناه دهد هر آینه لعنت و خشم خدا در روز قیامت متوجه او خواهد بود و هیچ نوع غرامتی از او پذیرفته نخواهد شد». همین مسئله در مورد یهودیان هم تکرار شده، به این معنی که همه مسلمانان و یهودیانی که این پیمان نامه را پذیرفته‌اند، یعنی کسانی که به خدا و روز جزا ایمان دارند، حق پناه دادن به جنایتکار را نخواهند داشت چراکه در غیر این صورت، فرد جوار دهنده مورد لعنت الهی قرار خواهد گرفت.^۳

۱. ابن اثیر، *اسد الغابه*، ج ۱، ص ۷۵۵.

۲. صلابی، *السیره النبویه*، ج ۱، ص ۴۹۳.

۳. همان، ص ۵۰۳.

نکته مهم و قابل توجه در این پیمان نامه آن است که اسلام، قاعده جدیدی را در مورد سنت جوار وضع می‌کند که تا قبل از آن وجود نداشته و در هیچ کدام از منابع تاریخی هم به آن اشاره نشده است و آن قاعده جوار زنان است. بر این اساس در یکی از بندهای پیمان نامه، آمده است که «مسلم و قطعی است که جوار خدا یکی بیش نیست و جوار مؤمنان و حمایت آنها، از نازل ترین فرد مسلمان، در موردی که تعهدی به نام اسلام نموده باشد، قطعی و همگانی است و همه مؤمنان در برابر همه مردم جهان با یکدیگر برابرند.»^۱ به این ترتیب اگر در عصر جاهلی اعطای جوار فقط شامل مردانی از رؤسای قبایل و افراد شناخته شده می‌شد، اسلام با طرح اندیشه برابری انسان‌ها و تأکید بر اهمیت و جایگاه فرد مسلمان، آن را از دایره انحصار مردان خارج و به هر فرد مسلمانی اعم از مرد و زن تعمیم بخشید. در این باره واقعی با ذکر گزارش تسلط مسلمانان بر کاروانی از قریش در هنگام بازگشت از جنگ غابه، می‌نویسد:

از جمله افرادی که همراه این کاروان اسیر شدند ابوالعاص بن ربیع بود. ابوالعاص شبانه خود را به مدینه رساند و سحرگاه خود را به خانه زینب دختر رسول خدا ﷺ که همسرش بود رساند و از او پناه خواست و زینب او را پناه داد. چون پیامبر ﷺ نماز صبح را خواندند زینب بر در خانه خود ایستاد و با صدای بلند اعلام کرد که من ابوالعاص را پناه داده‌ام؛ پیامبر ﷺ به مردم مدینه فرمود شنیدید که زینب چه گفت؟ گفتند آری، فرمود سوگند به کسی که جانم در دست اوست من هم پیش از آنکه این مطلب را همانطور که شما شنیدید بشنوم خبری از این موضوع نداشتم؛ به هر حال مؤمنان نسبت به دیگران برتری دارند، دیگران به آنها پناه می‌برند و ما هم کسی را که زینب پناه داده است پناه دادیم؛ چون پیامبر ﷺ به خانه خود برگشت زینب به حضور پدر آمد و استدعا کرد تا اموال ابوالعاص را مسترد دارند. آنگاه پیامبر ﷺ با اصحاب خود صحبت فرمود. کالاهای افراد مختلفی از قریش همراه ابوالعاص بود که مسلمانان همه را، حتی طناب‌ها و آفتابه‌اش را هم پس دادند و هیچ چیز از او در دست ایشان باقی نماند.^۲

بر اساس گزارش دیگری از منابع تاریخی که برابری مسلمانان در اعطای جوار را نشان می‌دهد، در یکی از سربیه‌ها که فرماندهی آن بر عهده خالد بن ولید بود، فردی از مشرکین بعد از گرایش به اسلام، خود را در جوار عمار بن یاسر قرار داد، در این زمان خالد بن ولید برآشفته و با عصبانیت به عمار گفت که آیا تو فردی را پناه می‌دهی در حالی که من امیر سپاه هستم؟ عمار پاسخ داد بله چرا که این مرد به من پناه آورده است. آن‌گاه هر یک از آنان شروع به تندی نسبت به هم نمودند تا آنکه نزد پیامبر ﷺ آمدند و

۱. همان.

۲. واقعی، مغازی، ص ۴۱۹ - ۴۱۸.

پس از طرح موضوع، پیامبر ﷺ جوار عمار را تأیید نمودند.^۱ به نظر می‌رسد بعد از این موضوع بود که خداوند متعال با نزول آیه ششم از سوره مبارکه توبه اعطای جوار به مشرکانی که علاقه‌مند به شنیدن کلام الهی هستند را مورد تأکید قرار داد.^۲

۴-۴. صلح حدیبیه و سنت جوار

صلح حدیبیه و حوادث بعد از آن از جمله نمونه‌های دیگری در تاریخ اسلام هستند که در آن مسئله جوار و رویکرد پیامبر ﷺ و مسلمانان به این سنت را به روشنی مشخص می‌نماید. براساس یکی از بندهای این صلح‌نامه که در ذیقعد سال ششم هجرت بین پیامبر ﷺ و مشرکین مکه منعقد گردید، مقرر شد که بین مسلمانان و مشرکان، به مدت ده سال جنگ متوقف گردد.^۳ اما چندی بعد با هجوم ناگهانی بنی‌بکر، از قبایل هم‌پیمان مکیان به قبیله خزاعه، از هم‌پیمانان پیامبر ﷺ، مشرکان عملاً پیمان‌نامه را نقض نمودند. ابوسفیان که از احتمال حمله مسلمانان به مکه بیمناک شده بود با هدف تجدید پیمان صلح روانه مدینه شد. به نظر می‌رسد گزارش واقعی در ارتباط با نحوه ورود ابوسفیان به مدینه و تلاش وی جهت تجدید پیمان‌نامه صلح، علاوه بر تشریح این رخداد تاریخی، زوایایی از مسئله جوار، اهمیت و نوع نگاه مسلمانان به آن را روشن می‌سازد. واقعی در شرح این ماجرا می‌نویسد:

ابوسفیان به خانه دختر خود ام‌حبیبه رفت و چون خواست روی رختخواب پیامبر ﷺ بنشیند ام‌حبیبه آن را جمع کرد. ابوسفیان گفت آیا این رختخواب قابل آن نبود که من بر آن بنشینم یا من قابل نبودم؟ ام‌حبیبه گفت این رختخواب پیامبر ﷺ است و تو مردی مشرک و نجسی؛ ابوسفیان گفت دخترکم این معلومات تو مایه شر است. گفت به هر حال خداوند مرا به اسلام راهنمایی فرمود. ای پدر تو که سرور و سالار قریشی چگونه وارد شدن به اسلام را فراموش کرده‌اید و چگونه سنگی را می‌پرستی که نه می‌شنود و نه می‌بیند؟ ابوسفیان گفت خیلی جای تعجب است و از تو بیشتر تعجب می‌کنم؛ می‌گویی دینی را که پدرانم می‌پرستیده‌اند ترک کنم و آیین محمد ﷺ را بپذیرم؟^۴

۱. طبری، ج ۳، ص ۷۴۲.

۲. وَإِنْ أَحَدٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ اسْتَجَارَكَ فَأَجِرْهُ حَتَّىٰ يَسْمَعَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ أَبْلِغْهُ مَأْمَنَهُ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْلَمُونَ؛ و اگر یکی از مشرکان به تو پناه آورد (که از دین آگاه شود) بدو پناه ده تا کلام خدا را بشنود و پس از شنیدن سخن خدا او را به مأمن و منزلش برسان، زیرا که این مشرکان مردمی نادانند.

۳. واقعی، مغازی، ج ۱، ص ۱۸۳.

۴. همان، ج ۲، ص ۶۰۶ - ۶۰۵.

واقدی در ادامه به تلاش‌های ابوسفیان جهت کسب جوار و شفاعت برخی از صحابه پیامبر ﷺ مانند ابوبکر و عمر به منظور کمک به تجدید پیمان صلح اشاره می‌نماید که آنان ضمن مخالفت با این درخواست، جوار خود را منوط به موافقت و جوار پیامبر ﷺ می‌دانند.^۱ واقدی سپس می‌نویسد:

ابوسفیان پیش فاطمه رضی الله عنها دختر پیامبر ﷺ رفت و با او گفتگو کرد و گفت در میان مردم به من جوار بده، فاطمه رضی الله عنها فرمود من زنم، ابوسفیان گفت حمایت تو جایز است همانطور که خواهرت ابوالعاص بن ربیع را حمایت کرد و در پناه خود گرفت و محمد رضی الله عنه هم آن را تصویب کرد. فاطمه رضی الله عنها فرمود این مسئله در اختیار رسول خداست و از حمایت ابوسفیان خودداری کرد. ابوسفیان گفت به یکی از پسران دستور بده تا مرا در جوار خود بگیرند. فرمود آن دو کودک هستند و کودکان کسی را جوار نمی‌دهند. در این هنگام فاطمه رضی الله عنها هم از حمایت ابوسفیان خودداری کرد. ابوسفیان پیش علی رضی الله عنه آمد و گفت: ای ابوالحسن! مرا در میان مردم در حمایت خود بگیر و با محمد رضی الله عنه صحبت کن که بر مدت عهدنامه بیفزاید. علی رضی الله عنه فرمود: ابوسفیان وای بر تو! پیامبر رضی الله عنه تصمیم گرفته است که این کار را نکند و هیچ‌کس نمی‌تواند با رسول خدا در مسئله‌ای که برای او ناخوشایند است صحبت کند. ابوسفیان گفت چاره چیست؟ تو کار مرا آسان کن که در تنگنا قرار دارم و دستور بده کاری بکنم که که برایم سودمند باشد. علی رضی الله عنه گفت چاره‌ای نمی‌بینم جز اینکه خودت میان مردم برخیزی و طلب جوار کنی که به هر حال تو سالار و بزرگ کنانه هستی؛ ابوسفیان گفت خیال می‌کنی این کار برای من فایده‌ای داشته باشد؟ علی رضی الله عنه فرمود: نه به خدا چنین گمانی ندارم ولی چاره‌ای هم برای تو غیر از این نمی‌بینم. ابوسفیان میان مردم برخاست و گفت: من میان مردم طلب جوار و حمایت می‌کنم و خیال نمی‌کنم محمد رضی الله عنه مرا خوار و زبون سازد.

واقدی با اشاره به بازگشت ابوسفیان به مکه و سؤال قریش از نتیجه مأموریت او می‌نویسد:

قریش به ابوسفیان گفتند چه خبر داری؟ نامه‌ای از محمد رضی الله عنه برای ما آورده‌ای؟ آیا مدت پیمان‌نامه بیشتر شده است؟ چون ما در امان نیستیم از اینکه با ما جنگ کند. ابوسفیان گفت به خدا سوگند از پذیرش من خودداری کرد و از من نپذیرفت و من با گزیده اصحاب او هم صحبت کردم اما به کاری توانایی نیافتم و همگان یکنواخت جوابم را دادند. فقط علی رضی الله عنه وقتی دید در تنگنا قرار دارم گفت تو سرور کنانه هستی پس میان مردم حمایت‌خواهی کن و من با صدای بلند جوار خواستم و پیش محمد رضی الله عنه

رفتم و گفتم من میان مردم جوار خواسته‌ام و خیال نمی‌کنم تو جوار مرا را نپذیری؛ محمد ﷺ گفت تو خودت چنین می‌گویی و دیگر هیچ نگفت. قریش گفتند فقط تورا بازی داده است. ابوسفیان گفت به خدا قسم چاره دیگری نداشتم.^۱

۵. اسلام و بازتولید سنت جوار

بدین ترتیب می‌توان گفت که سنت جوار به واسطه کارکردهای مثبت آن در بعد از ظهور اسلام و عصر بعثت تداوم یافت؛ اما نکته مهم آن است که بازتولید این سنت در عصر نبوت، هم‌نوا با ساخت جامعه توحیدی و در راستای هنجارها، الگوها و ارزش‌های این جامعه نوبنیاد بود. درحالی‌که در عصر جاهلی، سنت جوار متأثر از روح حاکم بر نظام قبیله‌ای و متناسب با جغرافیای طبیعی، فرهنگی و اجتماعی شبه‌جزیره بر بنیاد مؤلفه‌هایی مانند تعصب و تفاخر استوار بود؛ اسلام حُسن جوار را به منزله ارزشی اخلاقی و ایمانی مطرح و آن را محترم شمرد و پیامبر اکرم ﷺ نیز، ضمن نخستین تعالیم خود، مردم را به این امر سفارش کرد. با بررسی و تحلیل محتوای گزارش منابع اولیه تاریخ اسلام در مورد تداوم سنت جوار در عصر نبوت و تفاوت‌های ماهوی آن با دوره جاهلی می‌توان نکات ذیل را مطرح نمود.

هر چند سنت جوار برخاسته از جامعه جاهلی و منبعث از شرایط خاص حیات سیاسی و اجتماعی این جامعه بود اما به واسطه نقش و کارکردهای مثبت آن در حمایت از افراد بی‌دفاع و کاهش تنش‌ها و نزاع‌های موجود در نظام قبیله‌ای، در بعد از ظهور اسلام به‌عنوان سنتی حسنه تداوم و مورد حمایت پیامبر ﷺ قرار گرفت. اما این تداوم همراه با تحول و تمایزی آشکار در روح سنت جوار در مقایسه با عصر جاهلی بود، تا قبل از ظهور اسلام سنت جوار صرفاً ارزشی اجتماعی برای حفظ امنیت و پیمان یاری میان طرف ضعیف (مستجیر) و طرف قوی (مجیر) بود به‌گونه‌ای که حتی بسیاری از مجرمین هم به‌منظور رهایی از مجازات و حفظ جان خود از این سنت استفاده می‌نمودند؛^۲ اما توصیه اسلام به حسن جوار و احسان به جاره، بالاتر و فراتر از رسم عرب بود. اسلام ایمان و حق‌مداری را در مضمون اجتماعی جار دخالت داد و حفظ جوار را از ارکان برپایی جامعه آرمانی و رفتاری خیرخواهانه و برخاسته از روح ایمان دانست. اهمیت این سنت و استفاده از ظرفیت آن جهت گسترش آئین توحیدی و روح یکتاپرستی در میان جامعه شرک‌زده شبه‌جزیره به‌گونه‌ای بود که خداوند متعال در آیه ششم از سوره مبارکه توبه، پیامبر ﷺ و مسلمانان را مکلف نمود که در صورت درخواست پناه مشرکان جهت شنیدن کلام خدا، آنان موظف به اجابت درخواست و تأمین امنیت آنان هستند. در چنین شرایطی جان، عِرْض و آبروی فرد

۱. همان، ص ۶۰۸ - ۶۰۷.

۲. سلام زناتی، *نظم العرب قبل الاسلام*، ص ۶۹۵.

پناه‌جوینده در دارالاسلام محفوظ و دولت اسلامی وظیفه حفظ و حمایت از او را در برابر تعدیات اجتماعی شهروندان خود (مسلمانان و ذمی‌ها) برعهده داشت.^۱

پیامبر ﷺ بعد از بعثت، ضمن تأیید حرمت مسجدالحرام و تأکید بر لزوم رعایت این موضوع، اعلام نمود که پناهندگان به این سرزمین برای همیشه در امان هستند. همچنین ایشان پس از مهاجرت به مدینه، حرم دومی را تأسیس نمود که همچون حرم مکه امن بود و در اولین پیمان خود با قبایل و ملت‌های ساکن در مدینه، آنجا را سرزمینی امن برای ساکنین معرفی کرد.^۲

به‌واسطه ساختار اجتماعی و نظام مردسالاری شبه‌جزیره عربستان پیش از اسلام، هر چند اعطای سنت جوار در عصر جاهلی در انحصار مردان و بزرگان قوم بود اما تأکید آموزه‌های اسلامی بر تساوی انسان‌ها و توجه به کرامت ذاتی آنها باعث گردید تا در بعد از ظهور اسلام دایره اعطای سنت جوار گسترش یافته و حتی زنان و کودکان را نیز در برگیرد. از این‌رو مراجعه ابوسفیان به حضرت فاطمه علیها السلام یا درخواست از امام حسن علیه السلام جهت اعطای جوار به وی خود شاهدهی بر این موضوع است.

هر چند دین اسلام، با حمایت از مسلمانان و ارتقاء شأن و جایگاه آنان در جامعه، جوار هر یک از آنها را محترم و قابل اجرا دانست، اما تحلیل گزارش منابع تاریخ اسلام و از جمله روایت واقدی در مورد تلاش ابوسفیان جهت گرفتن جوار بعد از نقض عهدنامه صلح حدیبیه، حاکی از این واقعیت است که در موضوعات مربوط به پیامبر ﷺ و حکومت اسلامی، مسلمانان خود را تابع دستورات رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم دانسته و از اعطای جوار که در تضاد با سیاست‌های حکومت نبوی بود خودداری می‌نمودند. در این مورد هم هیچ تفاوتی بین مسلمانان اعم از زن و مرد و حتی نزدیکترین افراد به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم وجود نداشت. از این‌رو تمامی مسلمانانی که در گزارش واقدی، ابوسفیان جهت دریافت جوار به آنان مراجعه می‌نماید اعطای جوار و حمایت از وی را منوط به اعطای جوار و موافقت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می‌نماید.

بدین ترتیب اسلام با بازتعریف و دمیدن روح تازه‌ای در سنت جوار، آن را وسیله‌ای در جهت نزدیکی مسلمانان و تحکیم پیوندهای انسانی و الهی آنان قرار داد. به همین دلیل زمانی که در عام‌الوفود، بنی‌حبیبه و اهالی مکتا جهت دریافت جوار و پذیرش اسلام به نزد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم آمدند؛ به آنها گفته شد که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم آن‌چنان که از خود دفاع می‌نماید از شما نیز دفاع خواهد کرد.^۳

همچنان تجسم روح وحدت و اثرگذاری تعالیم اسلامی در جان مسلمانان را در جریان فتوحات

۱. طوسی، *المبسوط فی فقه الامامیه*، ص ۱۱۸.

۲. ابن‌هشام، *السیره النبویه*، ج ۱، ص ۵۰۷.

۳. بلاذری، *فتوح البلدان*، ص ۲۷۹.

اسلامی به خوبی می‌توان مشاهده نمود. زمانی که یکی از مسلمانان به‌عنوان سفیر در مقابل رستم فرخزاد قرار گرفت، از او سؤال شد آیا تو فرمانده این قوم هستی، پاسخ داد خیر، بلکه همه مسلمانان همانند اعضای یک پیکر واحد هستند که همگی آنها از هم دفاع می‌کنند و در این زمینه تفاوتی بین فقیر و غنی نیست. رستم که از سخنان وی شگفت زده شده بود به سپاهیان خود گفت آیا تاکنون کلامی بالاتر و محکم‌تر از سخنان این مرد شنیده‌اید؟^۱ به‌نظر می‌رسد سؤال رستم حاکی از شناخت وی نسبت به ساختار قبیله‌ای و جایگاه شیخ قبیله در نزد اعراب بود و پاسخ نماینده مسلمانان نیز حاکی از برابری آنها حتی در مسئله‌ای مانند جوار است که در جاهلیت مختص رئیس قبیله بود. مسئله جوار در دوره‌های بعدی اسلام هم به قوت خود ادامه پیدا نمود. به‌عنوان مثال در دوران بنی‌عباس برخی از افراد در این زمینه از شهرت ویژه‌ای برخوردار بوده و حتی تعدادی از آنها مشهور به «کنف الأمان» بودند. یکی از این افراد سلیمان بن علی بن عبدالله بن عباس، والی بصره بود که با هر درخواست جواری موافقت می‌کرد.^۲ بدین ترتیب سنت جوار در بعد از ظهور اسلام به‌عنوان یکی از مبادی اصلی جامعه اسلامی و یک قاعده کلی مطرح و مورد تأیید قرار گرفت، براساس این قاعده، بر خلاف عصر جاهلی که اعطای جوار در انحصار اشراف و بزرگان قوم بود، هر مسلمانی اعم از زن، مرد، جوان، پیر، آزاد یا برده می‌توانستند فرد یا افرادی را در پناه خود گیرند و جوار آنان مورد تأیید حاکم اسلامی بود. ضمن آنکه جوار در معنای همسایه در آموزه‌های وحیانی و سنت نبوی ﷺ از جایگاه رفیعی برخوردار گردید که خود نیازمند پژوهشی مستقل می‌باشد.

نتیجه

بر اساس آن چه گفته شد، جوار از جمله سنت‌های ریشه‌داری بود که در میان اعراب پیش از اسلام از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بود. این سنت که آن را می‌توان محصول ساختار اجتماعی و سیاسی شبه‌جزیره دانست در فقدان یک دولت مرکزی، افراد بی‌پناه را قادر می‌ساخت تا با استفاده از آن، امنیت جانی و مالی خود را تأمین نمایند. به‌موجب این سنت که باید رسماً اعلام می‌شد تا مردم از آن آگاهی یافته و حقوق جوار را محترم شمارند، وقتی یک فرد و گاه یک عشیره، بطن یا قبیله به تنهایی نمی‌توانست از جان و مال خود دفاع کند و در عین حال مجبور به اقامت در جایی یا رفت‌وآمد در مکانی بود، به فرد صاحب‌نفوذی متوسل می‌شد و با استفاده از سنت جوار امنیت خویش را تحصیل می‌کرد. بدیهی است

۱. ابن کثیر، *البدایة والنهایة*، ص ۴۷۲.

۲. ابن عبد ربه، *العقد الفریء*، ج ۲، ص ۱۸۳.

نظام قبیله‌ای حاکم بر شبه‌جزیره باعث می‌گردید تا شالوده استحکام سنت جوار، نه توانمندی و اعتبار فرد جواردهنده، بلکه جایگاه وی در قبیله و اقتدار قبیله‌ای او باشد. هر چند ظهور اسلام و بعثت پیامبر ﷺ منجر به تحولات بنیادی در سنت‌ها و ساختارهای شبه‌جزیره گردید، اما کارکرد مثبت جوار باعث گردید تا این سنت همچنان به حیات خود ادامه دهد. اسلام در باز تعریف این سنت، ضمن تعمیم جواز اعطای آن به تمام مسلمانان، آن را به‌عنوان وسیله‌ای در جهت، نزدیکی مسلمانان و تحکیم پیوندهای انسانی و الهی آنان قرار داد. جوار در ساحت جدید خود علاوه بر آنکه برای مشرکان فرصتی فراهم می‌کرد تا در پناه تأمین امنیت دولت اسلامی، در باب آئین جدید و آموزه‌های وحیانی آن بیان‌نویسند، می‌توانست به‌عنوان وسیله‌ای در خدمت اهداف دولت نبوی، جهت گسترش مفاهیم عالی اسلامی و انسانی و تأسیس جامعه آرمانی، مورد استفاده قرار گیرد. از این جهت، سنت جوار در سیر تداوم خود از دوران جاهلیت تا عصر نبوت، هر چند شاکله ظاهری خود را حفظ نمود، اما از نظر ماهیت و کارکرد، دچار تحول و دگردیسی گردید و ابتناء آن نه بر پایه مؤلفه‌هایی چون تعصب و تفاخر بلکه براساس ارزش‌هایی چون ایمان و حق‌مداری قرار گرفت.

منابع و مأخذ

قرآن کریم.

۱. ابن اثیر، عزالدین ابوالحسن علی بن محمد الجزری، *اسد الغابة فی معرفة الصحابة*، تحقیق عادل احمد الرفاعی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۹۹۶ م.
۲. ابن حیب، ابوجعفر محمد بن حیب بن امیة، *المحبوب*، تحقیق ایلزة لیختن شتیر، بیروت، المکتب التجاری، ۲۰۰۲ م.
۳. ابن درید، ابو بکر محمد بن الحسن، *الاشتیاق*، تحقیق، عبدالسلام هارون، دمشق، دار الکتب، بی تا.
۴. ابن سعد، محمد بن سعد بن منیع ابوعبدالله البصری الزهری، *الطبقات الکبری*، بیروت، دار للطباعة و النشر، ۱۴۰۵ ق.
۵. ابن عبد ربه، احمد بن محمد بن عبد ربه الأندلسی، *المقد الفرید*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۹۹۹ م.
۶. ابن فارس، ابوالحسین احمد بن فارس بن زکریا، *معجم مقاییس اللغة*، تحقیق عبدالسلام محمد هارون، بیروت، دار الجیل، ۱۹۹۹ م.

٧. ابن كثير، ابى الفداء اسماعيل، **البداية و النهاية**، تحقيق على عبدالله، بيروت، دار إحياء التراث العربى، ٢٠٠٩ م.
٨. ابن كثير، ابى الفداء اسماعيل، **السيرة النبوية**، تحقيق مصطفى عبدالواحد، بيروت، دار المعرفة، ١٩٧٦ م.
٩. ابن منظور، محمد بن مكرم بن منظور الأفريقى المصرى، **لسان العرب**، بيروت، دارصادر، بى تا.
١٠. ابن هشام، أبو محمد عبد الملك، **السيرة النبوية**، تحقيق وليد بن محمد بن سلامه، قاهره، مكتبة الصفا، ٢٠٠١ م.
١١. الأزهرى، محمد بن احمد، **تهذيب اللغة**، تحقيق محمد عوض مرعب، بيروت، دار أحياء التراث العربى، ٢٠٠١ م.
١٢. اصفهانى، على بن الحسين بن محمد، **الأغانى**، تحقيق على مهنا و سمير جابر، بيروت، دار الفكر للطباعة والنشر، ١٩٩٢ م.
١٣. الألوسى البغدادى، محمود شكرى، **بلوغ الأرب فى معرفة أحوال العرب**، تحقيق محمد بهجة الأثرى، قاهره، دار الكتاب المصرى، ٢٠١٢ م.
١٤. بلاذرى، احمد بن يحيى بن جابر، **انساب الاشراف**، تحقيق سهيل زكار و رياض زركلى، بيروت، دار الفكر للطباعة والنشر، ١٩٨٩ م.
١٥. بلاذرى، احمد بن يحيى بن جابر، **فتوح البلدان**، تحقيق رضوان محمد رضوان، بيروت، دار الكتب العلمية، ١٤٠٣ ق.
١٦. جاحظ، عمرو بن بحر، **البيان و التبيين**، محقق على بوملحم، بيروت، دار و مكتبة الهلال، ٢٠٠٧ م.
١٧. حرعالمى، محمد بن الحسن، **وسائل الشيعة**، قم، مؤسسه آل البيت لحياء التراث، ١٣٦٧.
١٨. حموى، ابو عبدالله ياقوت بن عبدالله، **معجم البلدان**، بيروت، دار الفكر، ٢٠٠٩ م.
١٩. خياط، ابو عمرو خليفة بن خياط بن ابوهبيرة الليثى العصفرى، **تاريخ خليفة بن خياط**، تحقيق مصطفى نجيب فواز، حكمت كشللى فوار، بيروت، دار الكتب العلمية، ١٩٩٥ م.
٢٠. راغب اصفهانى، ابوالقاسم حسين بن محمد، **محاضرات الأدباء و محاورات الشعراء و البلغاء**، بيروت، شركة دار الأرقم بن أبى الأرقم، ١٩٩٩ م.

ماهيت و كارکرد سنت جوار از دوران جاهلی تا عصر نبوت □ ۱۲۷

۲۱. زبیدی، محمد مرتضی الحسنی، **تاج العروس من جواهر القاموس**، مجموعة من المحققين، بيروت، دار الهداية، ۱۹۹۸ م.
۲۲. زرکلی، خيرالدين، **الأعلام**، بيروت، دار العلم للملايين، ۱۹۸۰ م.
۲۳. زرگری نژاد، غلامحسين، **تاريخ صدر اسلام (عصر نبوت)**، تهران، سمت، ۱۳۷۸.
۲۴. سعيد، عبداللطيف عبدالرحمن، **الكامل في اللغة العربية**، دمشق، دار العلم الملائين، بی تا.
۲۵. سلام زناتي، محمود، **نظم العرب قبل الاسلام**، قاهره، دار الناصيف، ۱۴۳۲ ق.
۲۶. سهيلي، سهيلي، عبدالرحمن بن عبدالله الحنفي، **الروض الانف في شرح السيرة النبوية لابن هشام**، تحقيق، عمر عبدالسلام السلامي، بيروت، دار أحياء التراث العربي، ۲۰۰۰ م.
۲۷. شوقي ضيف، احمد، **تاريخ الادب العربي في العصر الجاهلي**، قاهره، دار المعارف، بی تا.
۲۸. صلابي، علي بن محمد، **السيرة النبوية عرض و وقائع و تحليل أحداث**، بيروت، دار المعرفة للطباعة و النشر و التوزيع، ۲۰۰۵ م.
۲۹. طبرسي، علي بن حسن، **مشكاة الأنوار في غرر الأخبار**، ترجمه مهدي هوشمند، عبدالله محمدي، قم، دار الثقلين، ۱۳۹۲.
۳۰. طبري، محمد بن جرير، **تاريخ الرسل و الملوك**، تحقيق محمد ابوالفضل ابراهيم، بيروت، دار التراث، ۱۹۶۷ م.
۳۱. طوسي، محمد بن حسن، **المبسوط في فقه الامامية**، بيروت، المكتبة المرتضوية لآحياء آثار الجعفرية، ۱۴۱۹ ق.
۳۲. عاصمي، عبدالملك بن حسين بن عبدالملك الشافعي، **النجوم العوالي في أنباء الأوائل و التوالي**، تحقيق، عادل احمد عبد الموجود و علي محمد معوض، بيروت، دار الكتب العلمية، ۱۹۹۸ م.
۳۳. علي، جواد، **المفصل في تاريخ العرب قبل الاسلام**، بيروت، دار الساقی، ۲۰۰۱ م.
۳۴. فراهيدي، خليل بن احمد، **العين**، تحقيق مهدي المحزومي، ابراهيم السامرائي، دمشق، دار و مكتبة الهلال، ۱۹۹۰ م.
۳۵. فيومي، احمد بن محمد بن علي المقرئ، **المصباح المنير في غريب الشرح الكبير للرافعي**، قاهره، المكتبة العلمية، بی تا.

۱۲۸ □ فصلنامه تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، دوره ۱۴، بهار ۱۴۰۲، ش ۵۰

۳۶. قرائتی، محسن، **تفسیر نور**، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۸۳.

۳۷. میرد، ابوالعباس محمد بن یزید، **الکامل فی اللغة والادب**، قاهره، بی‌نا، ۱۴۰۸ ق.

۳۸. میدانی، ابوالفضل احمد بن محمد، **مجمع الامثال**، تحقیق محمد محیی‌الدین عبدالمجید، بیروت، دار المعرفة، ۱۹۹۷ م.

۳۹. همدانی، حسن بن احمد بن یعقوب، **صفة جزيرة العرب**، تحقیق محمد بن علی الاکوع الحوالی، صنعاء، مکتب الارشاد، ۱۹۹۰ م.

۴۰. واقدی، محمد بن عمر، **مغازی**، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، ج ۲، تهران، مرکز نشر دانشگاهی،

۱۳۶۹.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی